

فرا ترکیب مطالعات تجرد در ایران^۱

* ساراشهانواز

دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه الزهرا

منصوره اعظم آزاده

دانشیار جامعه شناسی دانشگاه الزهرا

چکیده

در دهه‌های اخیر به دلیل تحولاتی مانند صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی و... تغییرات بسیاری در حوزه‌های فرهنگی-اجتماعی زندگی انسان رخ داده است. ساختار خانواده و الگوی ازدواج تحت تاثیر این تغییرات قرار گرفته و دچار تحولات زیادی شده است. جوامع امروزی دگرگونی زیادی را در سن ازدواج شاهد بودند. در کشور ما نیز تاخیر در ازدواج و تشدید تجرد در سال‌های اخیر روندی فزاینده داشته است. هدف از پژوهش حاضر شناسایی مؤلفه‌های تجرد براساس پژوهش‌های انجام شده در این زمینه و با استفاده از روش فرا ترکیب است. بدین منظور مطالعات کیفی صورت گرفته در حوزه تجرد مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از فرا ترکیب مطالعات تجرد، در ۶ مقوله اصلی طبقه بندی شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در مسئله تجرد مقولات اقتصادی، ساختاری، اجتماعی- فرهنگی و فردی از ابعاد اساسی هستند. در این پژوهش، بر ابعاد فرهنگی- اجتماعی تاکید می‌شود. همچنین پیامدهای منفی تجرد نیز مورد توجه بوده است.

واژگان کلیدی:

تجرد، تاخیر در ازدواج، تجرد در ایران، فرا ترکیب

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری خانم ساراشهانواز در رشته جامعه شناسی دانشگاه الزهرا است.

* نویسنده مسئول s.shahanavaz@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۶

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۶/۱۸

DOI:10.22051/jwsps.2019.22028.1823

مقدمه

ازدواج پیمان مقدسی است که در میان تمام اقوام و ملل در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است. ازدواج سرآغاز تشکیل خانواده است و خانواده یکی از قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی است که تاریخی به قدمت حیات انسان دارد (گیدنز، ۱۳۸۷، ۱۷). ازدواج امری اجتماعی، زیستی و فرهنگی است که نقش اساسی در برآوردن نیازهای اصلی انسان دارد (ناستی زائی، ۱۳۸۵: ۹۱). گرچه ازدواج یک عمل ارادی و تابع خواسته و تمایلات فردی است، با این حال تحت‌تأثیر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و حتی سیاسی قرار دارد (کاظمی پور، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

در دهه‌های اخیر، در پی تغییر و تحولات ناشی از نوسازی، صنعتی شدن و جهانی شدن، تغییرات عمده‌ای در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رخ داده است. این دگرگونی‌ها، تأثیرات قابل توجهی در عرصه‌های فردی و اجتماعی داشته است.

از دیدگاه نظریه پردازان نوسازی، تغییرات در خانواده به تغییرات در زندگی اجتماعی وابسته است که متأثر از سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی است. بدین ترتیب، تغییرات ساختار خانواده و ازدواج در انطباق با تغییرات شرایط اقتصادی- اجتماعی صورت گرفته است (عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۴: ۲۸). فرآیند نوسازی با ترجیح خودمحوری، خانواده هسته‌ای و بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی، شهرنشینی، ازدواج‌های با انتخاب آزاد تشکیل خانواده را در سنین بالاتر تشویق می‌کند (آقایی و بنچناری، ۱۳۹۱: ۸۲). بر این اساس، می‌توان گفت در چند دهه اخیر ساختار خانواده تحت تأثیر اجرای سیاست‌های مبتنی بر نوسازی، همانند صنعتی شدن و افزایش سطح تحصیلات، دستخوش تغییراتی شده است. جوانان برای دستیابی به موقعیت اقتصادی و پایگاه اجتماعی، ازدواج را به تعویق انداخته و در نتیجه الگوهای سنتی ازدواج دچار چالش‌هایی شده است.

در گذشته و در جوامع سنتی، فرد به محض احساس نیاز اقدام به تشکیل خانواده می‌کرد،

اما به تدریج با افزایش آزادی و استقلال فردی، سن ازدواج افزایش یافت و ازدواج به منزله یک



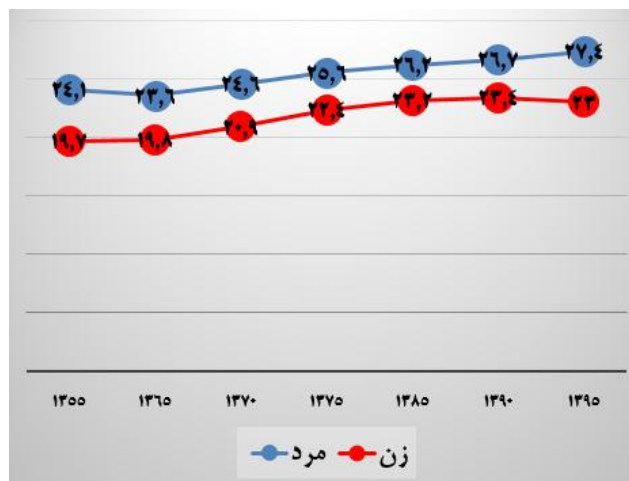
نهاد دچار تغییر و تحول شد. در این جوامع ازدواج راهی برای رسیدن به بلوغ و بزرگسالی و استقلال از خانواده بود. در دنیای امروز راه‌های جایگزینی مانند تحصیلات و اشتغال برای استقلال انسان به ویژه زنان فراهم آورده است. گرچه ازدواج همچنان اهمیت زیادی دارد اما این امر برای برخی افراد محقق نمی‌شود و تعدادی از مردان و زنان در سن ازدواج برای همیشه مجرد باقی می‌مانند (آبرکرامبی، ۱۳۸۸).

براین اساس، جوامع انسانی طی دو دهه اخیر، تغییرات اساسی در سن ازدواج را تجربه کرده‌اند و روند شکل‌گیری خانواده در تمام جهان دچار تاخیر شده است. مجرد یا افزایش سن ازدواج مختص جامعه و کشور ما نیست بلکه در اکثر کشورها تاخیر در سن ازدواج روی داده است. در واقع پدیده مجردهای شهری اولین بار در امریکا مطرح شد. براساس مطالعات انجام شده، سن ازدواج در دهه ۱۹۶۰ به شدت در امریکا افزایش یافت (لوگران و زیسیموپولوس، ۲۰۰۴: ۲). بدین ترتیب، تغییرات در الگوی ازدواج جوانان ابتدا در جوامع توسعه یافته و در دهه‌های اخیر در جوامع در حال توسعه رخ داد که نشان دهنده تغییر الگوی ازدواج از سنتی به مدرن است (کوششی و قربانی، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

در ایران نیز، ورود مدرنیزاسیون و تغییرات ناشی از آن مانند آموزش و تحصیلات و اشتغال زنان، امکان زندگی مستقل اقتصادی برای جوانان، و همچنین تغییرات اجتماعی و فرهنگی و تغییر نگرش‌ها و ارزش‌ها، باعث افزایش سن ازدواج و تمایل به مجرد شده است. براساس آمارها، در چند دهه گذشته، سن ازدواج در بین جوانان، به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است.

افزایش دوران مجرد می‌تواند در ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی تاثیرات بسیار مهمی داشته باشد و تغییرات زیادی را در حوزه های فردی و اجتماعی به وجود آورد. این تغییرات می‌تواند در جنبه‌های مثبت و منفی باشد. با توجه به میزان جمعیت بالای جوانان کشور ما و همچنین افزایش

سن ازدواج در سال های اخیر، لزوم بررسی مسئله تجرد و تاخیر در ازدواج به خوبی آشکار می شود. پدیده تجرد و ازدواج دیر هنگام تأثیرات مختلفی در جامعه دارد. گرچه تاخیر در ازدواج می تواند مجال برای افزایش تحصیلات، اشتغال و ایجاد درآمد و ارتقای هویت اجتماعی فراهم کند، اما پیامدهای منفی نیز با خود به همراه دارد. تاخیر در ازدواج می تواند باعث شروع فعالیت جنسی خارج از ازدواج و رفتارهای پرخطر شود که تبعات زیادی برای فرد و جامعه دارد. همچنین با توجه به ساختار فرهنگی جامعه و اهمیت ازدواج از نظر دینی و فرهنگی نزد جامعه و خانواده ها، تاخیر یا عدم ازدواج می تواند پیامدهای فردی و اجتماعی زیادی از جمله: مشکلات جسمی و روحی، هراس از آینده، تعارض بین هویت سنتی و مدرن، طرد اجتماعی، داغ خوردگی ناشی از تجرد داشته باشد (قانع عزآبادی و دیگران ۱۳۹۳، فرضی زاده ۱۳۹۳، علیرضائزاد و دیگران ۱۳۹۲، سفیری و شهنواز ۱۳۹۴). با بررسی آمار و اطلاعات، می توان به تغییرات بسیار ملموس در متوسط سن ازدواج در کشور پی برد. همانگونه که در شکل (۱) می توان دید میانگین سن ازدواج در مردان و زنان در دهه های اخیر بالاتر رفته و همواره روند صعودی داشته است.



شکل (۱): میانگین سن افراد در اولین ازدواج برحسب جنس ۱۳۵۵-۱۳۹۵

منبع: مرکز آمار ج.ا.ایران



همانطور که ذکر شد، ازدواج و تشکیل خانواده دارای کارکردهای زیستی و اجتماعی و فرهنگی است و در تمامی فرهنگ‌ها اهمیت دارد و در جامعه ما با توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی و جمعیتی این اهمیت دو چندان است. با ادامه روند کاهش نرخ ازدواج و تاخیر در سن ازدواج این کارکردها دچار اختلال شده و آسیب‌های فردی و اجتماعی فراوانی برای جوامع به همراه خواهد داشت. بدین ترتیب، به دلیل اهمیت مسئله تجرد در جامعه ما، پژوهش حاضر با هدف ترکیب تحلیل‌ها و یافته‌های مطالعات کیفی انجام شده است و تلاشی در جهت گردآوری و طبقه‌بندی و تحلیل مطالعات داخلی صورت گرفته در حوزه تجرد با استفاده از روش فراترکیب است. براین اساس، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است: مطالعات کیفی انجام شده در حوزه تجرد چه جنبه‌هایی از این مسئله را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند و مطالعات انجام شده چه اشتراکاتی در تحلیل دارند؟

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، با بروز تغییرات در ساختارهای اجتماعی و همچنین نهاد خانواده و ازدواج توجه محققان به مسئله سن ازدواج و تاخیر در سن ازدواج جلب شده است. در جوامع مختلف با توجه به زمینه فرهنگی موجود در آن جامعه به پدیده تجرد نگاه شده و در این زمینه مطالعات زیادی انجام شده است. بررسی پدیده تاخیر در ازدواج و افزایش تجرد در سال‌های اخیر در کشور ما نیز مورد توجه قرار گرفته است.

حسینی با بررسی آمار و اسناد، علل موثر و پیامدهای بالارفتن سن ازدواج را در دهه ۷۰ به این سو بررسی کرده است. براساس این پژوهش، مواردی مانند گرایش به استقلال اقتصادی، فشار برای ورود به دانشگاه و بازار کار، گسترش روابط نامتعارف، گرایش به جرم و سوء مصرف مواد،

بی هویتی و بروز اختلالات روانی از پیامدهای تجرد دختران ذکر شده است (حسینی، ۱۳۹۲). تحقیق دیگری که بر روی زنان و مردان مجرد و متاهل انجام شده است، نشان می‌دهد که افزایش سرمایه اقتصادی به ویژه در میان زنان باعث کاهش احتمال ازدواج و افزایش احتمال تجرد می‌شود (موسائی و فندرسی، ۱۳۹۵). نگرش فرامادی به ازدواج، امکان تحصیلات بالاتر برای دختران و بیشتر بودن فرصت‌های از دست رفته در صورت ازدواج در مقابل فرصت‌های کسب شده از طریق آن، از جمله عوامل موثر بر تجرد و افزایش سن ازدواج است که بر اساس پژوهش حبیب پور و غفاری بدست آمده است (حبیب پور و غفاری، ۱۳۹۰).

علیرضا نژاد و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی درباره دختران تحصیل کرده شاغل بالاتر از ۳۵ سال، تاثیرات عوامل ساختاری از جمله تحصیلات عالی، اشتغال و ازدواج (تاخیر سن ازدواج دختران) بر هویت اجتماعی زنان را مورد مطالعه قرار داده است. نتیجه مقاله نشان می‌دهد که زن مجرد هم دارای نگرشی مثبت به زندگی مستقل است و هم تمایل جدی به تداوم زندگی سنتی زن ایرانی (ازدواج و زندگی زناشویی) دارد. در نگاه به هویت چندگانه این افراد، نوعی آشفتگی هویتی دیده می‌شود. زیرا آنها تمایل به حفظ هویت جنسیتی در کنار هویت حرفه‌ای دارند. به این ترتیب، چالش هویت حرفه‌ای و سنتی بین دختران شاغل حل نشده باقی مانده است. رضانی و قلتاش (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به بررسی تجربه دختران و پسران مجرد دانشجو، از تجرد پرداختند و عوامل و پیامدهای تجرد را بیان کردند.

لاهاد (۲۰۱۳) در مقاله خود تجرد گزینی زنان را یک معضل اجتماعی می‌داند. هدف اصلی مطالعه بررسی و تجزیه و تحلیل برچسب‌گزینش شونده است که جامعه بر زنان مجرد دارد و تاثیر گزینش شونده‌گی بر امکان‌ها و محدودیت‌هایی که در خودشکوفایی زنان ایجاد می‌کند. در واقع



تحلیل متن نشان می‌دهد که در انتقال از هنجار تا مجرد، زنان مجرد حق خود را برای حفظ موضع انتخاب کننده شان از دست داده اند.

بایرن (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای با عنوان «توسعه مدل جامعه شناختی برای پژوهش درباره خود و هویت‌های اجتماعی زنان» به بحث مجرد پرداخت. این پژوهش نشان داد که دختران مجرد هرگز ازدواج نکرده برخوردارهای تبعیض آمیزتری را در حوزه‌های غیررسمی نسبت به مردان مجرد تجربه کرده‌اند. همچنین دختران مجرد تجربه تعرض و توهین بیشتری در عرصه عمومی و سطوح پایین احترام اجتماعی را نسبت به زنان متأهل داشته‌اند.

سلیمان و همکاران (۲۰۱۵) از نتایج پژوهش خود دریافتند که عواملی مانند عدم توجه والدین، نگرش منفی والدین در مورد آموزش دختران و بی سوادی پدر و مادر باعث می‌شود تا دختران برای ازدواج آموزش نبینند و تاخیر در ازدواج به وجود بیاید.

چارچوب نظری

نظریه پردازان نوسازی درباره تغییرات ساختاری خانواده بر مجموعه ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه تاکید می‌کنند. این تغییرات اغلب از طریق نشانگرهای رشد صنعت، شهرنشینی، آموزش، درآمد و مصرف، حمل و نقل و ارتباطات و اشکال متعدد تکنولوژی‌های جدیدتر تبیین می‌شوند (جایا کودی، ۲۰۰۷: ۴). در فرآیند نوسازی دغدغه‌های شخصی بر مصالح جمعی برتری یافته و خانواده محوری به فردمحوری تبدیل می‌شود. در راستای این تحولات، انطباق پذیری در الگوهای ازدواج و خانواده با شرایط جدید صورت می‌گیرد. وستوف^۱ در این باره می‌گوید که تحولات نهادهای ازدواج و خانواده، نشانه و نمادی از تغییرات اجتماعی است (ویکر،

^۱ Westoff

۲۰۰۲: ۴۱۶). صنعتی شدن از جمله عواملی بود که ساختارهای جوامع را دچار تغییرات زیادی کرد. از نهادهای متأثر از این جریان، نهاد خانواده است. خانواده از لحاظ ساختاری، کارکردی، روابط درونی و همچنین چگونگی شکل‌گیری دچار تغییرات فراوانی شد. نولان و لنسکی تحولات خانواده ناشی از صنعتی شدن را شامل کوچکتر شدن ابعاد خانوار، کاهش نقش خانواده در فعالیت‌های اجتماعی، افزایش میزان طلاق و دگرگونی نقش زنان و جوانان می‌داند (نولان و لنسکی، ۱۳۸۰: ۴۵۲).

ویلیام گود^۱ به گستره تأثیرات نوسازی بر خانواده و الگوهای ازدواج اشاره دارد. تغییرات به‌وجود آمده در خانواده و توسعه خانواده‌های جدید از نوع اروپایی را نتیجه اجتناب‌ناپذیر دگرگونی‌های ساختاری در جامعه و دگرگونی‌های ایدئولوژیکی می‌داند. به عقیده وی زمانی که دگرگونی‌های ایدئولوژیکی و ساختاری در سطح کلان (از جمله: صنعتی شدن و شهر نشینی) رخ دهند، سازمان‌های سطوح خرد همانند خانواده نیز با این دگرگونی‌های سطح کلان انطباق می‌یابند (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۷). در این فرآیند نقش شبکه خویشاوندی در روابط خانوادگی تغییر یافته و الزامات دوجانبه بین زوج‌ها و شبکه خویشاوندی وجود ندارد. نومکانی، انتخاب آزادانه همسر، توافق بین زن و شوهر و ضرورت علاقه دوجانبه بین آنها در نتیجه انطباق خانواده با شرایط زندگی مدرن به‌وجود می‌آید. وقتی که چنین سیستمی از خانواده شکل می‌گیرد و زنان نقش بیشتری در فعالیت‌های خارج از خانه می‌یابند، تغییر الگوی عمومی سن ازدواج قابل انتظار است (کنعانی، ۱۳۸۵). پارسونز نیز معتقد است در جوامع مدرن درآمدهای بالاتر و بازارهای گسترده، آزادی انتخاب در مصرف را افزایش می‌دهند و براین اساس، دامنه وسیعی از دسترسی به خدمات مختلف

^۱William J Goode



مانند آموزش و خوابگاه‌های عمومی و همچنین آزادی زیاد در همسرگزینی، انتخاب شغل، آزادی بیان و اظهار نظر به وجود می‌آید (سیدمن، ۱۳۹۲: ۱۰۹-۱۰۶).

جنکینز منزلت یک فرد را مجموع همه منزلت‌هایی می‌داند که فرد دارد و به این ترتیب، هویت فردی همانند تصویری چهل تکه از هویت‌های جمعی است. منزلت غالب، منزلتی است که سایر هویت‌های فرد را تابع خود کند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۲۶۰). در جوامع سنتی، منزلت جوانان اعم از زنان براساس هویت زن خانه دار و همسر و مادر تعریف می‌شد و مردان نیز منزلت خود را پس از ازدواج و تشکیل زندگی می‌یافتند، اما در جوامع مدرن، به ویژه در شهرها، با توجه به تحولات اقتصادی و اجتماعی، این امر دچار تغییر شده است. جوانان می‌توانند بدون ازدواج و با استفاده از امکانات تحصیل و اشتغال، استقلال هویتی خود را بدست آورند.

پدیده جهانی شدن نیز تأثیرات فراوانی در ساختارهای اجتماعی مختلف از جمله خانواده داشته است. تغییر نقش‌های سنتی و ثابت و از پیش تعیین شده اعضای خانواده از آن جمله اند. نقش‌های محول در ازدواج سنتی، مردان را نان آور خانواده و فعال در فضای خارج از خانه می‌دانست و زنان را مسئول کارهای خانه معرفی می‌کرد. این تقسیم بندی امروزه تغییر یافته است. حضور گسترده زنان شاغل در زندگی اجتماعی، تغییر و تنوع شکل‌های ازدواج در جوامع غربی، تنزل جایگاه ازدواج سنتی، جابجایی نقش‌های اکتسابی با نقش‌های محول برای زنان در فضای فرهنگی و همچنین کاهش اثر ازدواج در فرآیند هویت یابی فرد از پیامدهای تغییر نقش در عصر جهانی شدن است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۵۵-۵۶).

بورديو خانواده را مهم‌ترین مکان انباشت و انتقال سرمایه می‌داند. براساس نظر بورديو، تغییر و تفاوت بین نسلی خانواده‌ها در ایران ناشی از رقابت بر سر دستیابی به انواع سرمایه در میدان‌ها و عرصه‌های مختلف اجتماعی است. جوانان برای رسیدن به تحصیلات و مدارج علمی

تلاش می‌کنند. به خصوص زنان که راه دستیابی به سرمایه فرهنگی و تغییر سلسله مراتب قدرت در خانواده را افزایش آگاهی و کسب مدارک دانشگاهی می‌دانند. این افزایش آگاهی و تحصیلات بالا و به تبع آن فرصت‌های شغلی موجود، تغییرات ارزشی در خانواده‌ها ایجاد کرده‌است. از پیامدهای این دگرگونی ارزشی تغییر و بالا رفتن سن ازدواج است (سرابی و اجاقلو، ۱۳۹۲: ۲۶).

نظریه داغ ننگ گافمن می‌تواند یکی از پیامدهای تجرد را به خوبی توضیح دهد. داغ ننگ یک برچسب اجتماعی است که نگرش فرد به خود را تغییر می‌دهد و پذیرش اجتماعی فرد را نزد دیگران دچار خدشه می‌کند و این شرایط گاهی چنان بر فرد غلبه می‌یابد که حتی خود فرد نیز بر خود انگ داغ خوردگی می‌زند (قانع عزآبادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰۶). براساس تعریف اصطلاح داغ ننگ، ما تصور می‌کنیم که فرد داغ خورده انسان کاملی نیست و براساس همین تصور، انواع تبعیض‌های مختلف علیه او اعمال شده و فرصت‌های زیستی‌اش کاهش می‌یابد. در واقع ما به نوعی یک نظریه داغ ننگ می‌سازیم، یک ایدئولوژی که پست بودن آن فرد را تبیین کند (گافمن، ۱۳۹۶: ۳۴-۳۵). براین اساس، متاهل‌ها یا خود مجردها در جامعه افراد ازدواج نکرده را انسان ناقص می‌بینند. تصور می‌شود که هویت این افراد دچار نقصان است و با ازدواج این نقصان برطرف می‌شود. به این ترتیب، تجرد عاملی برای داغ خوردگی افراد و جداسازی آنها از افراد ازدواج کرده می‌شود.

طرد، ابزار اولیه‌ای است که با آن گروه مسلط، افراد تحت سلطه را از قدرت محروم می‌کنند. طرد اجتماعی می‌تواند برای هر فردی اتفاق بیفتد، اما برخی افراد در مقایسه با دیگران احتمال بیشتری برای مواجهه با آن را دارند. عوامل مخاطره آمیز اصلی از جمله: درآمد کم، تضاد خانوادگی، مشکلاتی در مدرسه، زندانی شدن، تعلق به اقلیت قومی خاص، زندگی در محله‌های



معروم و یا روستایی، سن و معلولیت افراد را در معرض طرد اجتماعی قرار می‌دهد (فرضی زاده، ۱۳۹۳: ۱۲۶). طرد اجتماعی می‌تواند به فقر، ضعف دانش و مهارت، عدم مشارکت در اجتماع و زندگی اقتصادی- اجتماعی و سیاسی بینجامد (شبان، ۲۰۱۱: ۱۱۷). افراد مجرد با سن بالا از جمله گروه‌هایی هستند که در معرض طرد قرار می‌گیرند. این افراد در مقایسه با افراد ازدواج کرده حس کنار گذاشته شدن از محیط خانوادگی و اجتماعی را تجربه می‌کنند.

روش پژوهش

با رشد پژوهش‌ها در حوزه‌های مختلف علوم، دانشمندان در عمل به این نتیجه رسیدند که اطلاع و تسلط بر تمامی ابعاد یک رشته و به روز بودن در این زمینه تا حدود زیادی امکان پذیر نیست، از این رو، انجام پژوهش‌های ترکیبی گسترش یافت. این پژوهش‌ها عصاره پژوهش‌های انجام شده در یک موضوع خاص را به شیوه نظام‌مند و علمی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند (ازکیا و توکلی، ۱۳۸۵). یکی از روش‌هایی که در سال‌های اخیر، برای بررسی و ترکیب پژوهش‌های موجود در یک حوزه، مورد استفاده قرار گرفته فرامطالعه^۱ است. با به کارگیری روش فرامطالعه می‌توان نتایج پژوهش‌ها را با یکدیگر ترکیب کرد و روابط تازه‌ای میان پدیده‌های اجتماعی کشف نمود (گلاس، ۱۹۷۶). فرامطالعه روشی برای تحلیل تحلیل‌ها است (دی کاستر، ۲۰۰۳). فرامطالعه چهار بخش مختلف دارد، فراتحلیل^۲ که تحلیل کمی محتوای مطالعات اولیه است. فراروش^۳ که تحلیل روش‌شناسی مطالعات اولیه است. فرانظریه^۴ که تحلیل نظریه‌های مطالعات اولیه است و فراترکیب^۵، تحلیل کیفی محتوای مطالعات اولیه است (بنچ و دی، ۲۰۱۰). فراترکیب نوعی روش تحقیقی است

¹ Meta Study

² Meta-Analysis

³ Meta-research

⁴ meta-theory

⁵ Meta Synthesis

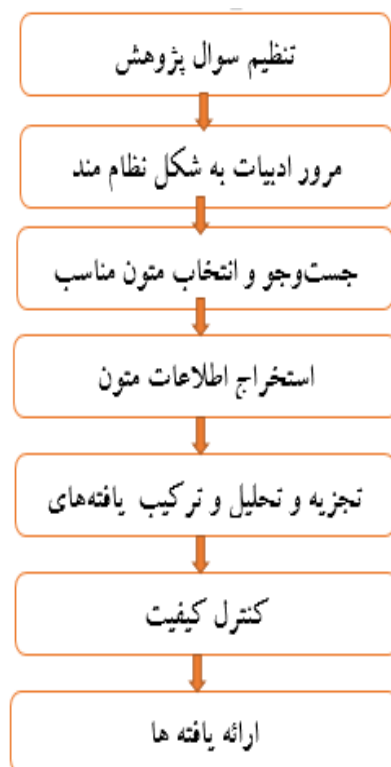
که برای ترجمه‌های تفسیری و با ایجاد تئوری با بهره‌گیری از یکپارچگی و مقایسه یافته‌های مختلف استفاده می‌شود. هدف این روش ایجاد تفسیری خلاقانه و یکپارچه از یافته‌های کیفی است (بک، ۲۰۰۲: ۹۵).

در تعریفی دیگر می‌توان گفت، فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که اطلاعات و یافته‌های استخراج شده از مطالعات کیفی موجود و مرتبط با موضوع را بررسی و تحلیل می‌کند. بر این اساس، نمونه مورد نظر برای فراترکیب، از مطالعات کیفی منتخب و براساس ارتباط آنها با پرسش پژوهش تشکیل می‌شود. فراترکیب به جای ارائه خلاصه جامعی از یافته‌ها، به نوعی، ترکیب تفسیری از یافته‌ها ارائه می‌دهد. می‌توان گفت فراترکیب از طریق ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف، نگرشی نظام‌مند فراهم کرده و به کشف موضوع‌ها و استعاره‌های جدید و اساسی می‌پردازد. با این روش دانش جاری ارتقا یافته و دید جامع و گسترده‌ای نسبت به مسائل به وجود می‌آورد. اجرای فراترکیب نیازمند بازنگری دقیق و عمیق پژوهشگر برای مرتبط کردن یافته‌های پژوهش‌های کیفی مرتبط است (زیمر، ۲۰۰۶).

در واقع می‌توان گفت فراترکیب، مرور یکپارچه ادبیات کیفی موضوع مورد نظر و یا تجزیه و تحلیل داده ثانویه و داده اصلی از مطالعات منتخب نیست، بلکه در واقع تحلیل یافته‌های این مطالعات است (سهرابی و دیگران، ۱۳۹۰). نوبلت و هیر^۱ سه مرحله اصلی برای روش فراترکیب تعیین کرده‌اند که شامل انتخاب مطالعات، ترکیب ترجمه‌ها و ارائه تلفیق است. روش دیگر مورد استفاده در فراترکیب، روش هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو^۲ (۲۰۰۷) است که مراحل آن در شکل (۲) آمده است.

^۱ Noblit and Hare

^۲ Sandelowski and Barroso



شکل (۲): گام های روش فرا ترکیب براساس روش Sandelowski and Barroso

در پژوهش حاضر برای شناسایی مفاهیم تجرد از روش هفت مرحله ای سندلوسکی و باروسو بهره می‌بریم. براساس روش فرا ترکیب، متن پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع تجرد، داده به حساب می‌آیند و همانند متن مصاحبه در پژوهش کیفی در نظر گرفته می‌شوند.

یافته‌ها

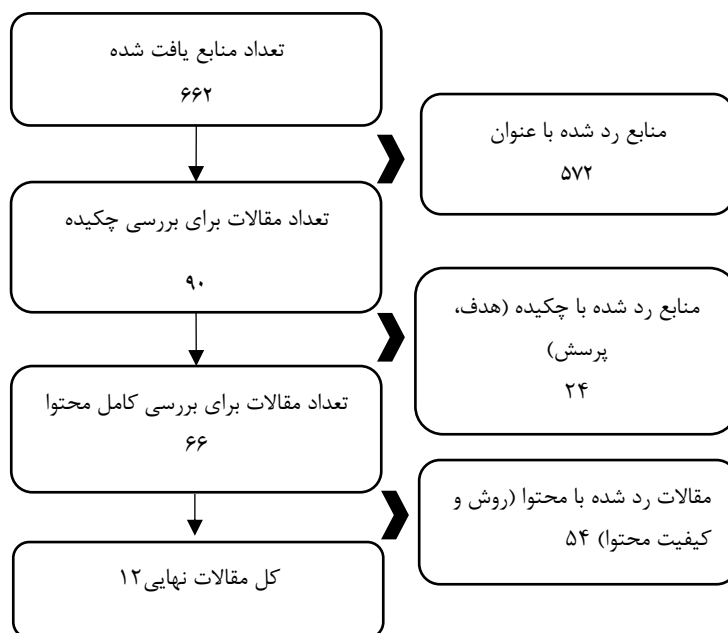
گام نخست، طرح سوال اساسی پژوهش: برای تنظیم و دستیابی به سوال اساسی پژوهش معیارهای مختلفی مانند چه چیزی، چه زمانی و چگونه روش مورد استفاده قرار می‌گیرد. براین اساس، در این پژوهش، سوال اساسی این است که «مؤلفه‌ها و مقولات تجرد در ایران کدام اند؟»

گام دوم، مرور ادبیات به شکل نظام‌مند: جامعه آماری در این پژوهش، شامل مطالعاتی است که از جوانب و دیدگاه‌های مختلف به بررسی مسئله تجرد پرداخته‌اند. براین اساس برای دستیابی به داده‌های پژوهش، تمامی پایگاه‌های داده و نشریات داخلی کشور مورد بررسی قرار گرفتند.^۱

واژه‌های کلیدی مانند، تجرد، تاخیر در ازدواج، سن ازدواج، تجرد در ایران، دختران ازدواج نکرده، پسران ازدواج نکرده و همچنین کلمات و عبارات ترکیبی از این کلمات برای جست و جوی مقالات و پژوهش‌ها استفاده شد.

گام سوم، جستجو و انتخاب متون مناسب: پس از جستجو در پایگاه‌های مختلف تعداد ۶۶۲ مقاله مرتبط شناسایی شد. برای انتخاب پژوهش‌های مناسب و قابل استفاده در روش فراترکیب مقالات براساس پارامترهای مختلفی مانند عنوان، چکیده، دسترسی، محتوا و کیفیت روش‌های پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت و در نهایت دوازده مقاله برای انجام روش فراترکیب انتخاب شد. شکل (۳) نشان دهنده فرآیند جست و جو و انتخاب مقالات است.

¹ SID, Magiran, Noormag, Ensani.Ir, Irandoc, Isc, Civilica,



شکل (۳): نتایج جست و جو و انتخاب نهایی پژوهش‌ها

گام چهارم، استخراج اطلاعات متون: در پژوهش حاضر، اطلاعات پژوهش‌های منتخب در مرحله قبل، براساس نام پژوهشگران، سال انتشار و عنوان پژوهش، دسته‌بندی شدند. در جدول (۱) پژوهش‌های مورد استفاده در فرا ترکیب ارائه شده است. در این مرحله، پژوهش‌های انتخاب شده برای فرا ترکیب بررسی محتوایی شده و مضمون‌ها و مفاهیم مرتبط با تجرد، به عنوان کدهای اصلی استخراج شدند. مفاهیم حاصل از انجام پژوهش‌ها در جدول قابل مشاهده هستند.

جدول (۱): طبقه بندی یافته های پژوهش براساس نام پژوهشگران

کد	نام محقق	مؤلفه ها (یافته های پژوهش های کیفی)
۱	قادرزاده ، غلامی و غلامی (۱۳۹۶)	جنسیتی شدن فضای عمومی، تقدیرگرایی، احساس ضعف پذیرفته شده، قبول وضعیت فرودست و عدم تغییر آن، ترومای جنگ، تحصیلات دختران، عقاید سنتی محدود کننده، بازتولید نظام مردسالارانه توسط رسانه ها، پنهان کردن خود از جمع، مناسک و اماکن مذهبی به مثابه پناهگاه، کسب استقلال فردی، حضور در جامعه، روی آوردن به مشاغل خانگی، بازاندیشی، مجازی شدن روابط، احساس تنهایی، احساس حقارت و شرم، نبود درآمد، ترس از آینده، امنیت مالی متزلزل، تحمل کنایه ها و بددهنی اطرفیان، احساس انزوای اجتماعی و طرد، عدم اعتماد به نفس
۲	عباس زاده، نیکدل (۱۳۹۶)	تقابل دیدگاه های مذهبی با طرف مخالف، تغییر دیدگاه های سنتی نسبت به نقش همسری، تلاش برای کسب هویت مستقل، تقدیرگرایی، خصوصیات جسمی و سنی مانعی برای ازدواج، اضطراب نسبت به از دست رفتن فرصت ازدواج، بی تفاوتی و بی اهمیتی ازدواج، ترس از وقوع طلاق، تجارب احساسی مثبت و تعلق خاطر به آن، تجارب احساسی منفی و ترس از تکرار، کالایی شدن انتخاب همسر، چارچوب های خاص معرف همسر خوب، عدم ادغام در خرده فرهنگ های خانوادگی، بی اعتمادی به طرف مقابل، ترس از خیانت طرف مقابل
۳	ام البنین چابکی (۱۳۹۶)	الزامی تلقی نکردن امر ازدواج، پیدا نکردن همسر هم کفو، ترس از تشکیل خانواده، اولویت خانواده ها برای پیشرفت اجتماعی دختران، نیاز عاطفی- مالی خانواده به فرزند، کاهش حساسیت خانواده ها نسبت به مجرد دختران، تغییر ملاک های موفقیت و شایستگی در جامعه (اهمیت یافتن تحصیلات و اشتغال)، پذیرش اجتماعی مجرد دختران، شرایط اجتماعی کاهش دهنده ثبات و جاذبه زندگی زناشویی، بی اعتمادی به جنس مخالف
۴	رضائی و قلتاش (۱۳۹۶)	برطرف کردن نیازهای جنسی از طریق ارتباط مجازی، گزینه های جایگزین ازدواج برای پسران، مهاجرت مردان، عدم فعالیت رسانه ها در زمینه ازدواج، ترس مردان از تعهدات ازدواج، ازدواج مردان با دختران با فاصله سنی زیاد، تغییر ارزش های جامعه، ترس از ازدواج به دلیل تجربه های ناموفق، دوگانگی بین سنتی و مدرن در رفتار جوانان، چشم و هم چشمی، عدم حق تصمیم گیری زنان در ازدواج، موقعیت جغرافیایی زندگی، جنگ تحمیلی، عدم تناسب خانواده ها، شرایط بد اقتصادی خانواده ها، بیکاری و عدم امنیت شغلی، رعایت



اولویت ازدواج، دخالت‌های خانواده در تصمیم‌گیری، دیدگاه منفی خانواده به ارتباط با جنس مخالف، عدم تشویق خانواده‌ها به ازدواج فرزندان، عدم حمایت اقتصادی خانواده از فرزند، غرق شدن در کار، محیط کار تک جنسیتی، عدم اعتماد به نفس، تنوع طلبی، تعصبان مذهبی، سخت‌گیری در انتخاب، مشکلات ظاهری و فیزیکی، اهمیت تحصیلات، تجربه‌های عاطفی ناموفق، عدم وجود نهاد متولی امر ازدواج، عدم تسهیلات دولت برای ازدواج جوانان، اختلالات روحی، روانی و جنسی، چالش در ارتباطات، تخریب فرهنگ اسلامی، عدم امنیت در جامعه، عدم آرامش در خانواده، عدم انگیزه برای کار و پس انداز، بدبینی به دولت، فرصت خودشناسی، احساس آزادی و استقلال، کسب موفقیت شغلی

۵ محبی، سیاح،
حسینی (۱۳۹۵)

ایجاد فرصت‌های اجتماعی، بازسازی هویتی، رهایی از محدودیت‌های جنسیتی، امکان تحصیل و استقلال مالی، آزادی اجتماعی، عدم وجود مسئولیت، کاهش امید به زندگی، عدم استقلال از خانواده، انزوای اجتماعی، فرسایش روحی، کاهش روابط با خانواده، عدم دسترسی به فرد ایده‌آل و مطلوب، کمبود پسران دارای تحصیلات عالی، گرایش به معیارهای مادی و ظاهرگرایانه نظیر زیبایی، ثروت، دارایی، طبقه اقتصادی-اجتماعی بالا، تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی، حداکثر نمودن پاداش‌ها و دریافتی‌های ازدواج نسبت به مسئولیت آن، کم رنگ شدن ملاک‌های اخلاقی و معنوی در ازدواج، ضعف حمایتگری‌های مختلف خانواده از ازدواج، فقدان تصمیم به موقع والدین در مورد ازدواج فرزندان، عدم آماده‌سازی فرزندان جهت ازدواج، مخالفت خانواده با انتخاب فرزندان در ازدواج، فقدان موقعیت و شرایط مناسب اجتماعی جهت همسرگزینی، مسدود بودن راه‌های صحیح شناخت دو جنس در ساختارهای مدرن امروزی، دیده نشدن افراد پایبند به سنت‌ها در شرایط ازدواج مدرن، بیشتر شدن هزینه ازدواج نسبت به پاداش‌های آن، نداشتن وقت کافی برای نقش‌های غیر از تحصیل، همه‌گیر شدن تجرد یا ازدواج در سن بالا، در اولویت نداشتن ازدواج و زندگی مشترک در مقابل سایر امور، ابهام و سردرگمی در ملاک‌های انتخاب همسر، انتظارات متناقض از زندگی و معیارهای همسرگزینی، تأکید بر بعد عاطفی و جنسی ازدواج و غفلت از سایر ابعاد، ارتباط دو جنس مخالف در شرایط کنونی، تنوع طلبی جنسی و عدم انحصار و تعهد به یک فرد، تشکیک در نقش‌های متفاوت زن و مرد و چالش جوانان با نقش‌های همسری، اعتقاد به عدم الزام به ازدواج برای همه، جستجوی هویت زنانه در خارج از دایره ازدواج، کاهش مطلوبیت الگوی

زن سنتی.

- ۶ صادقی، شکفته
گوهری (۱۳۹۵)
رهاشدگی، ناامنی شغلی
کسب هویت براساس شغل، رواج مادی گرایی و تجمل گرایی، عقلانیت در تاخیر ازدواج،
- ۷ معمار و
یزدخواستی
(۱۳۹۴)
تغییر نگرش به زندگی، ترجیح عشق به ازدواج، تجدید نظر در روابط با جنس مخالف،
رهایی از نظارت شدید خانواده، توانایی زندگی به تنهایی، تصمیم گیری فردی، احساس
تنهایی، محدودیت در پرداختن به علائق شخصی، درگیری با مشکلات خانواده، نداشتن
استقلال مکانی، مزاحمت‌ها و کنایه‌های مردان، احساس نابرابری جنسیتی، تقدیرگرایی، ترس
از حرف دیگران، ناهماهنگی خواستگاران با نظام ارزشی نوگرایی دختران، نظام ارزشی سنتی
خانواده، سرپوش گذاشتن خانواده بر تمایل دختران به ازدواج، جنگ و مهاجرت پسران،
تغییرات ارزشی شدید و عدم هماهنگی با آنها
- ۸ حسینی و ایزدی
(۱۳۹۴)
عدم وجود استقلال، عدم استطاعت مالی، عدم استقلال و آزادی فرد در تصمیمات و علایق،
هویت تکامل نیافته در اثر تجرد و فقدان سرمایه جنسی و شریک جنسی دائم، افسردگی،
ترس از تنهایی، بی انگیزگی، نگرانی از آینده، احساس محرومیت، احساس رضایت،
احساس آرامش، آزادی و استقلال، تلاش برای خداشناسی
- ۹ سفیری، شهنواز
(۱۳۹۴)
اهمیت ازدواج از نظر دین و فرهنگ، ازدواج منبع آرامش و امنیت، نبود تکیه گاه عاطفی،
عدم تامین نیاز جنسی، هراس از تجرد به دلیل تنهایی و بی پناهی، ترس از سرریز بودن و
برچسب خوردن، تحمل نگاه‌ها و قضاوت‌ها و فشار دیگران، پذیرش افزایش سن ازدواج
توسط جامعه، بی رغبتی به ازدواج، ترس از مسائل زناشویی، ترس از فریب خوردن و
انتخاب اشتباه و شکست، ترس از پذیرش مسئولیت، تجربه ناموفق اطرافیان، وضعیت مالی
نامناسب مردان، اشتغال دختران، بار مالی بالای ازدواج، تحصیلات دختران، اشتغال دختران،
بی اعتمادی به جنس مخالف، جنگ و شهادت مردان، نبود حق انتخاب برای دختران، رعایت
ترتیب سنی در ازدواج، تغییر سن مناسب ازدواج از نظر جامعه، سن و تحصیلات پایین‌تر
پسران نسبت به دختران، عدم ارتباط با جنس مخالف، تجربه عشق، ایده آل گرایی، علاقه به
تنهایی، احساس قربانی بودن، مشکل جسمی و خلقی و رفتاری، ایجاد بدیل‌هایی برای
ازدواج، تلاش برای ادامه تحصیل و هویت یابی مالی و اجتماعی، تقویت خود از نظر
جسمی و ذهنی، تقویت اعتقادات مذهبی، تلاش برای تغییر وضعیت، خویش‌تنداری و حفظ



- ارزش‌ها و هنجارهای خانواده و جامعه، پذیرش تقدیر و وضعیت حال و قانع بودن، برجسب زدن به جامعه و مردان و دختران سن پایین، اتکا به خانواده، انتظار برای تغییر وضعیت، کسب استقلال و آزادی، دستیابی به پیشرفت اجتماعی، احساس تنهایی، مشکلات جسمی و روانی، احساس فشار اجتماعی
- ۱۰ قانع، کیانپور، قاسمی (۱۳۹۳)
- احساس هویت ناقص و پست، افسردگی، قربانی بودن، عدم اعتماد به نفس، رفتار اهانت آمیز و کنایه‌های اطرافیان، رفتار ترحم آمیز دیگران، ادامه تحصیل، چشم و هم چشمی، توقعات بالای خانواده‌ها، رد خواستگاران به دلایل غیر منطقی، آداب و رسوم غلط، افزایش تجمل گرایی، بی اعتمادی و نگرش منفی به جنس مخالف، تلاش در تغییر ظاهر، تغییر نگرش‌ها، اقدام برای مهاجرت، زندگی مستقل از خانواده، کسب مهارت‌های هنری
- ۱۱ علیرضازاد، سوادیان، لطیفی (۱۳۹۲)
- فشار اجتماعی، عدم امکان زندگی مستقل، نداشتن استقلال فردی، احساس عدم امنیت، توهین و کنایه از طرف مردان، فرصت طلبی مادی مردان در ازدواج، نپذیرفتن مردان قبلا ازدواج کرده، کسب هویت اجتماعی، قدرت تصمیم‌گیری، اشتغال، تحصیلات، استقلال و آزادی، کسب هویت حرفه‌ای، انتظار جامعه برای ازدواج، ترس از قضاوت دیگران، فشار اجتماعی
- ۱۲ کجباف، لطیفی، پوراعتماد، توکلی (۱۳۸۷)
- احساس شکستگی و خستگی، احساس تنهایی، احساس درماندگی، نارضایتی و عدم تأمین جنسی، کنایه‌های اطرافیان، احساس طرد اجتماعی، موقعیت اجتماعی فرودست، انزواطلبی و گوشه‌گیری، ادامه تحصیل، افزایش رفتارهای مصرفی، فشار جامعه برای ازدواج، عدم امنیت اجتماعی، نداشتن استقلال مالی، فرصت برای رشد هویتی، استقلال و آزادی

گام پنجم، تجزیه تحلیل و تلفیق یافته‌های کیفی: هدف از فرا ترکیب دستیابی به تفسیر یکپارچه و جدید از یافته است. برای رسیدن به تفسیر یکپارچه نیاز به تجزیه و تحلیل و ترکیب مفاهیم پژوهش‌های مورد بررسی است. در این مرحله ابتدا کدگذاری باز انجام می‌شود و تمامی مفاهیم و مقولات مستخرج از پژوهش‌های منتخب فرا ترکیب کدگذاری می‌شوند سپس کدهای مشابه دسته بندی شده و مفاهیم حاصل شدند و در نهایت مقولات اصلی از ترکیب مفاهیم به

دست آمد. کدگذاری و استخراج مفاهیم و مقولات بر روی یافته‌های مقالات مورد بررسی انجام گرفت به این معنا که تمامی مفاهیم در پژوهش‌های مختلف دوباره کدگذاری و مقوله بندی شدند. **گام ششم، کنترل کیفیت:** برای حفظ کیفیت مطالعه، منابع مورد استفاده به صورت دقیق مورد بررسی قرار گرفتند سپس مسیر تحقیق از ابتدا تا کدگذاری بار دیگر مورد بررسی قرار گرفت. همچنین یک کارشناس خبره مفاهیم و مقولات استخراج شده را مورد بازنگری و بررسی قرار داد.

گام هفتم، ارائه یافته‌ها: در نهایت یافته‌های حاصل از فراترکیب تحقیقات ارائه می‌شود. براساس تجزیه و تحلیل و ترکیب مطالعات، ۴۹ مفهوم شناسایی شدند که در شش مقوله کلی طبقه بندی شدند. در جدول (۲) مقولات و مفاهیم حاصل از فراترکیب مطالعات حوزه تجرد آمده است.

جدول (۲): مقولات و مفاهیم مربوط به درک از تجرد

مقوله	مفاهیم	کد مفاهیم	فراوانی مفاهیم سازنده
تجرد	مهاجرت	۷-۴	۲
	جنگ و شهادت مردان	۷-۴-۱	۳
	موقعیت جغرافیایی و اجتماعی زندگی	۱۲-۴	۲
	نابرابری جنسیتی	۱-۷	۲
	نبود بستر مناسب برای ارتباط دو جنس	۹-۵-۴	۳
	ساختارهای ناکارآمد سیاستگذار در مقوله ازدواج	۴	۳



۶	۹-۸-۶-۴-۱	فقدان درآمد کافی و شغل با ثبات	اقتصادی
۲	۱۱-۹	اشتغال دختران	
۲	۹-۵	بار مالی ازدواج	
۴	۴-۳-۲	هم کفو نبودن فرهنگی و مذهبی	
۱۰	۱۰-۹-۵-۴-۱-۲	کلیشه های رایج در انتخاب همسر	اجتماعی-فرهنگی
۱	۷	فردمحوری	
۵	۹-۵-۳-۱	بازاندیشی در ارزش های اجتماعی پذیرفته شده	
۶	۹-۳-۶-۵	پذیرش اجتماعی افزایش سن ازدواج و تجرد	
۱۵	-۱۱-۱۰-۹-۵-۱	بدیل های هویتی برای ازدواج	
۹	۳-۱-۷-۵-۹-۴	بدیل های عاطفی و جنسی برای ازدواج	
۲	۱۱-۲	کالایی شدن ازدواج	
۶	۱۰-۴-۶-۵	تجمل گرایی و مادی گرایی	
۳	۴-۱	تاثیر رسانه و فضای مجازی	
۳	۱۲-۱۱-۷	احساس فشار اجتماعی	
۳	۷-۴	سرگشتگی بین سنت و مدرنیته	
۴	۵-۲	تعریف الگوهای جدید از	

همسر مناسب		
۶	۱۰-۹-۳-۲	بی اعتمادی و نگرش منفی به طرف مقابل
۳	۹-۴-۲	اهمیت خصوصیات فیزیکی و ظاهری
۴	۹-۴-۲	تجارب احساسی گذشته (مثبت یا منفی)
۲	۴-۹	تجربه منفی از زندگی اطرافیان
۵	۱۰-۹-۵-۴	ایده آل گرایی
۲	۱-۹	علاقه به تنهایی
۲	۵-۴	تنوع طلبی
۶	۱۰-۵-۴-۱	عدم اعتماد به نفس
۹	۹-۸-۴-۳-۲-۱	هراس از آینده ازدواج
۴	۹-۷-۲-۱	تقدیرگرایی
۲	۱۰-۹	احساس قربانی بودن
۷	۵-۴	عدم حمایت مالی و عاطفی خانواده
۳	۸-۷-۵	دخالت خانواده در انتخاب
همسر		
۳	۹-۷-۳	وابستگی مالی و عاطفی خانواده به فرزندان

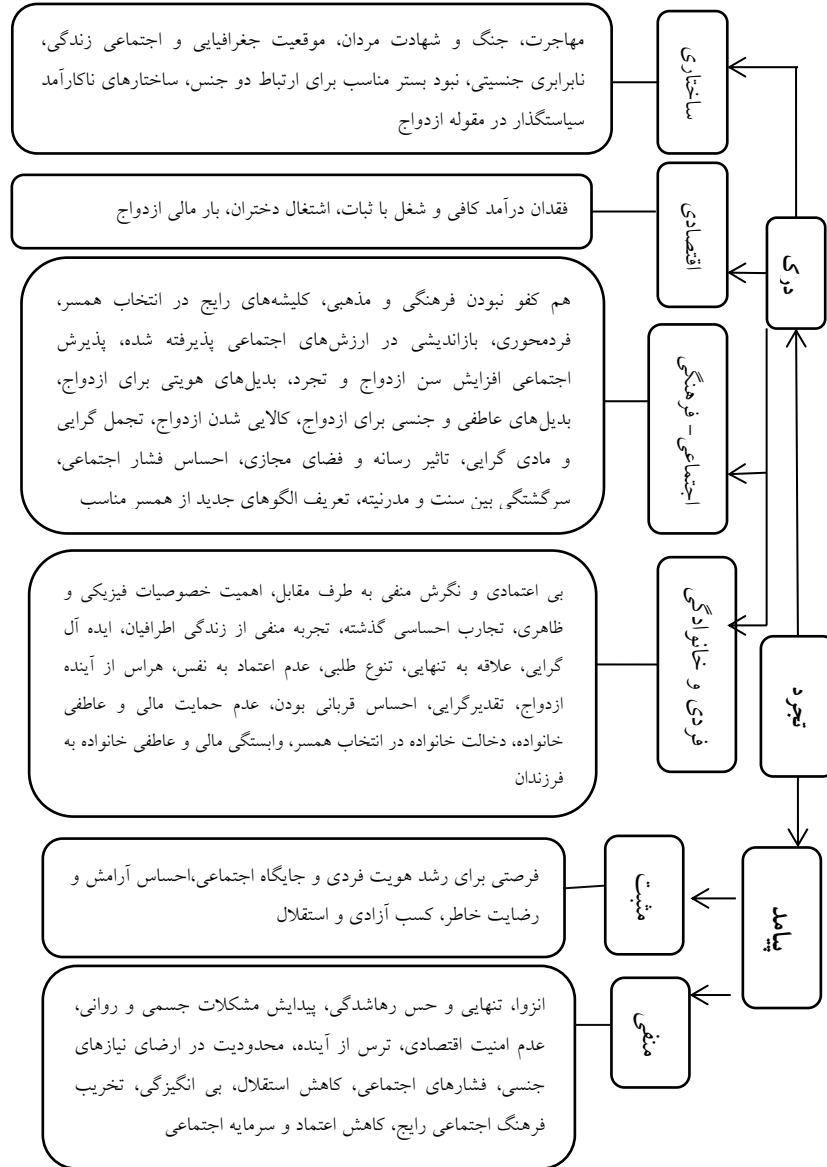


جدول (۳): مقولات و مفاهیم مربوط به پیامدهای تجرد

مقوله	مفاهیم	کد مفاهیم	فراوانی مفاهیم سازنده
پیامدهای منفی	انزوا، تنهایی و حس رهاشدگی	۸-۶-۹-۵-۱	۱۱
	پیدایش مشکلات جسمی و روانی	۷-۱۲	۷
	عدم امنیت اقتصادی	۵-۴-۹-۸-۱	۴
	ترس از آینده	۱۲-۹-۸-۱	۲
	محدودیت در ارضای نیازهای جنسی	۸-۱	۲
	فشارهای اجتماعی	۹-۸	۴
	کاهش استقلال	۹-۱۱-۴-۱	۵
	بی انگیزگی	۱۱-۵-۸-۷	۴
	تخریب فرهنگ اجتماعی رایج	۹-۸-۵-۴	۲
	کاهش اعتماد و سرمایه اجتماعی	۱۲-۴	۳
	پیامدهای مثبت	فرصتی برای رشد هویت فردی و جایگاه اجتماعی	۸-۴
احساس آرامش و رضایت خاطر		۹-۱۲-۱۱-۱۰	۲
کسب آزادی و استقلال		۸-۴-۱-۵	۱۴
		۸	۱۲-۴-۱۰-۸

همانطور که در جدول ۲ نیز آمده است، براساس تجزیه و تحلیل و فراترکیب مطالعات، مؤلفه‌های اصلی حوزه مجرد در ۶ مقوله اصلی شناسایی شد. این مقولات شامل موارد زیر است: مقوله ساختاری که مفاهیم جنگ و مهاجرت و بستر نامناسب و ساختارهای ناکارآمد در حوزه ازدواج، در این طبقه قرار می‌گیرند. مقوله اقتصادی که به مفاهیم اشتغال و درآمد و بار مالی در ازدواج اختصاص دارد. در این بعد فقدان شغل و درآمد کافی بیشترین تکرار را در مطالعات مختلف به خود اختصاص داده است. در مقوله اجتماعی - فرهنگی مفاهیم مربوط به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی حوزه ازدواج و تغییرات آنها قرار دارد. این بعد در حوزه مجرد بیشترین مفاهیم را در بر می‌گیرد که نشان دهنده تاثیرات عمیق عوامل فرهنگی و اجتماعی در مسئله ازدواج و مجرد است. در این میان «بدیل‌های هویتی و عاطفی و جنسی ازدواج» و همچنین «کلیشه‌های رایج انتخاب همسر» در مطالعات پیشین کدهای زیادی را به خود اختصاص داده‌اند. در بعد فردی - خانوادگی، مفاهیم موثر بر مجرد که از افراد و خانواده‌ها منشأ می‌گیرد طبقه‌بندی شده‌اند. هراس از آینده، عدم حمایت مالی و عاطفی خانواده‌ها، بی‌اعتمادی و عدم اعتماد به نفس مفاهیم مورد تاکید در ذیل مقوله فردی - خانوادگی هستند. همچنین دو بعد پیامد منفی و مثبت مجرد با تجزیه و تحلیل مطالعات شناسایی شد (جدول ۳). در مقوله پیامدهای مثبت مجرد برای افراد، تاکید بر مفاهیم فرصت رشد هویت فردی و اجتماعی و کسب آزادی و استقلال است. براساس این دسته مفاهیم آثار و نتایج ناشی از تاخیر و یا عدم ازدواج برای فرد خوشایند و مثبت بوده است. در بعد پیامدهای منفی ناشی از مجرد تاکید بر مسائل و مشکلات روانی، احساسی، جسمی و همچنین فشارهای اجتماعی است. در شکل ۳ مدل مفهومی مجرد، با استفاده از فراترکیب مطالعات مجرد آمده است.

شکل (۳): مدل مفهومی مجرد حاصل از یافته‌های پژوهش



بحث و نتیجه‌گیری

نهاد خانواده در طول تاریخ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است و بدین ترتیب مبحث ازدواج و تشکیل خانواده نیز دارای اهمیت بسیاری است. در دهه‌های اخیر به دلیل تغییرات در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، حوزه هنجارها و ارزش‌های اجتماعی دچار تحولات فراوانی شده است. ازدواج و تشکیل خانواده نیز از این دست مباحث است که تغییرات زیادی را به خود دیده است. در دهه‌های اخیر دنیا شاهد تعویق و تاخیر در ازدواج و افزایش سن ازدواج بوده است. این امر در تمامی کشورهای دنیا به صورت بیش و کم قابل مشاهده است. در کشور ما نیز در سال‌های اخیر پدیده تاخیر در ازدواج و مجرد به صورت روزافزونی قابل مشاهده است. با توجه به اهمیت ازدواج از منظر فرهنگی و دینی، و همچنین با در نظر گرفتن میزان جمعیت جوان کشور اهمیت این مسئله دوچندان می‌شود. در چند سال اخیر پژوهش‌هایی در حوزه مجرد و تاخیر در ازدواج انجام شده است که با روش‌های مختلفی به بررسی پدیده مجرد و تاخیر در ازدواج پرداخته‌اند. تلاش این پژوهش برای این بوده است که با مطالعه و تجزیه و تحلیل و ترکیب محتوای این پژوهش‌ها با استفاده از روش فراترکیب که در زمینه داده‌های کیفی مورد استفاده است به بررسی مفاهیم و مؤلفه‌های اصلی مرتبط به مسئله مجرد بپردازد. به این منظور تعداد دوازده مقاله کیفی با موضوع مجرد و تاخیر ازدواج از میان تمامی مقالات موجود و مرتبط در این حوزه انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سعی بر این بود که با تجزیه و تحلیل و ترکیب مطالعات مجرد مدل منسجمی از مفاهیم مسئله مجرد ارائه شود و مفاهیم دارای اهمیت و تاکید بیشتر مدنظر قرار گیرند.

نتایج حاصل از فراترکیب مطالعات مسئله مجرد در دو بعد «درک» و «پیامد» قابل شناسایی است و شش مقوله اصلی را شامل می‌شود: «ساختاری، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، فردی-خانوادگی، پیامدهای مثبت و منفی». در این میان مقوله فرهنگی- اجتماعی بیشترین فراوانی و تاکید را در بین مفاهیم به خود اختصاص داده است. این فراوانی، نشان از اهمیت ابعاد فرهنگی و اجتماعی در امر مجرد دارد. مفاهیم پرتکرار و دارای فراوانی بالا مانند بدیل‌های هویتی، عاطفی و جنسی برای ازدواج نشان از تغییرات ارزشی و هنجاری حوزه خانواده و ازدواج دارد. با نگاهی به نظریات



مطرح شده در زمینه ازدواج و افزایش تجرد می‌توان همسویی نظریات را با مطالعات پیشین و یافته‌های پژوهش دریافت. همانگونه که در نظریات نوسازی مطرح شد ورود جریان مدرنیته و تغییرات همراه آن، باعث تغییر در ساختار خانواده و نقش و کارکرد آن شد. با رواج فردمحوری و اهمیت یافتن فرد و تمایلات او در تصمیمات مهم زندگی الگوهای سنتی برای ازدواج دچار تغییر شد. براین اساس الزامات پیشین در ازدواج و انتخاب همسر تغییر یافت و افراد حق انتخاب برای ازدواج و همسرپایی یافتند. همچنین با ظهور مدرنیسم و صنعتی شدن، زنان توانستند نقش‌های بیشتری در اجتماع و خارج از منزل به دست آورند و از این طریق در پی کسب هویت‌های فردی و اجتماعی جدید باشند. دستیابی به جنبه‌های جدید هویتی نیازمند صرف وقت و هزینه بیشتری است و به این ترتیب بالارفتن سن ازدواج قابل انتظار خواهد بود. پدیده جهانی شدن در ادامه این مسیر به افراد الگوهای جدید زندگی و انتخاب همسر را معرفی کرده است. الگوهای سنتی ازدواج و نقش‌های پذیرفته شده در ازدواج سنتی که برای افراد هویت بخش بودند، در دنیای مدرن که تحت تاثیر پدیده جهانی شدن قرار دارد دچار تزلزل شده است و افراد در پی دستیابی به نقش‌های اجتماعی جدید هستند که این امر باعث تغییر در الگوهای ازدواج و زمان مناسب آن شده است. همانگونه که نظریه پردازانی مانند جنکینز و بوردیو بیان می‌کنند، افراد در دنیای امروز به دنبال دستیابی به هویت‌های مستقل فردی و اجتماعی هستند و برای دستیابی به هویت و منزلت اجتماعی از هویت‌های تقسیم بندی شده دنیای قدیم مانند نقش همسری فاصله می‌گیرند و هویت فردی و اجتماعی خود را با حوزه‌های جدیدی مانند تحصیلات و اشتغال جستجو می‌کنند. جوانان از این طریق در پی دستیابی به هویت و منزلت اجتماعی هستند و پیامد این تغییرات نیز تعویق در ازدواج خواهد بود. یافته‌های پژوهش و تاکید بر مفاهیم اجتماعی مانند بدیل‌های مختلف برای ازدواج در راستای این نظریات هستند. پیامدهای تجرد نیز در بخش منفی دارای فراوانی مفاهیم و تعداد است که با نظریاتی مانند داغ ننگ و طرد هم‌راستا است. به دلیل اهمیت ازدواج از منظر فرهنگی و دینی و اجتماعی در جامعه ما، افرادی که در تجرد باقی می‌مانند انواع فشارهای اجتماعی مانند رهاشدگی و طرد و تحقیر را تجربه می‌کنند. اهمیت نهاد خانواده و پیش نیاز آن یعنی ازدواج امری

روشن و بدیهی است. با توجه به افزایش سن ازدواج و مسئله تجرد در سال‌های اخیر، شناسایی مفاهیم و ابعاد مسئله تجرد امری با اهمیت است. با شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های این مسئله می‌توان در راستای بهبود وضعیت ازدواج و بسترسازی مناسب، اقدام به برنامه ریزی و سیاستگذاری کرد.



منابع

- آبرکرامبی، نیکولاس. (۱۳۸۸). *درآمدی بر جامعه شناسی*. (ترجمه هادی جلیلی)، تهران: نشر نی.
- ازکیا، مصطفی و توکلی، محمود. (۱۳۸۵). *فرا تحلیل مطالعات رضایت شغلی در سازمان‌های آموزشی (بررسی و ترکیب نتایج پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)*. *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱، ۲۷-۲۶.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۷۶). *جامعه شناسی خانواده با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- آقایی، سید سعید و طاهری بنچناری، رویا. (۱۳۹۲). *نگرش جوانان به تاثیر عوامل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی موثر در بالا رفتن سن ازدواج (مورد مطالعه: ناحیه ۲ و ۳ منطقه ۴ تهران سال ۱۳۹۱)*. *فصلنامه مطالعات جامعه شناختی ایران* ۳ (۸): ۷۵-۹۴.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). *هویت اجتماعی*. ترجمه تورج یار احمدی، تهران: نشر شیرازه.
- چابکی، ام البنین. (۱۳۹۵). *روایت دختران ۴۵ سال به بالای شهر تهران از علل مجرد قطعی*. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۰ (۳ و ۲): ۱۰۲-۱۲۳.
- حبیب پور گنابلی، کرم و غلامرضا غفاری. (۱۳۹۰). *علل افزایش سن ازدواج دختران. زن در توسعه و سیاست*، ۹ (۱): ۳۴-۷.
- حسینی، محمدرضا. (۱۳۹۲). *بررسی آثار و پیامدهای رشد سریع جمعیت بر مضیقه ازدواج و مجرد دختران (تحلیلی بر مجرد قطعی دختران به مثابه یک مسئله اجتماعی؛ چالش ها و راهکارها)*. *معرفت*، ۲۶ (۱۸۹): ۱۱۷-۱۲۹.
- حسینی، سیدحسن و ایزدی، زینب. (۱۳۹۴). *پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد، جمعیت مورد مطالعه: زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران*. *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۱۴ (۱): ۴۱-۷۲.
- رمضانی، سیده گل افروز و قلتاش، عباس. (۱۳۹۶). *تجربه زیسته دانشجویان دکتری دانشگاه کردستان در بازماندگی از ازدواج*. *فصلنامه آموزش عالی ایران*، ۸ (۴): ۱۰۳-۱۲۸.

- سرایبی، حسن و اوجاقلو، سجاد. (۱۳۹۲). مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران مطالعه موردی: زنان شهر زنجان. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۵(۴): ۱۹-۴۱.
- سفیری، خدیجه و شهنواز، سارا. (۱۳۹۴). بررسی تجرد و هویت با استفاده از نظریه زمینه‌ای (مورد مطالعه: دختران مجرد بالای ۳۵ سال شهرستان لاهیجان). *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، ۳(۴): ۹-۳۷.
- سهرابی، بابک؛ اعظمی، امیر و یزدانی، حمیدرضا. (۱۳۹۰). آسیب شناسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه مدیریت اسلامی با رویکرد فراترکیب. *فصلنامه چشم انداز مدیریت دولتی*، ۲(۶): ۹-۲۴.
- سیدمن، استیون. (۱۳۹۲). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی، صادقی، رسول و شکفته گوهری، محمد. (۱۳۹۶). مطالعه پیامدهای بیکاری بر تاخیر در ازدواج جوانان در شهر تهران. *فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۸(۳۰): ۱۴۱-۱۷۵.
- عباس زاده، محمد و نیکدل، نرمین. (۱۳۹۵). مطالعه بسترهای زمینه ساز تاخیر در ازدواج دختران با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی. *فصلنامه زن در فرهنگ و هنر*، ۸(۴): ۴۹۳-۵۱۶.
- عباسی شوازی، محمد جلال و صادقی، رسول. (۱۳۸۴). قومیت و الگوهای ازدواج در ایران. *پژوهش زنان*، ۳(۱): ۲۵-۴۷.
- علیرضائزاد، سهیلا؛ سوادیان، پروین و جعفری نمینی، پوراندرخت. (۱۳۹۲). هویت حرفه‌ای یا جنسیتی: مطالعه‌ای بر دختران تحصیل کرده شاغل بالاتر از ۳۵ سال در شهر تهران. *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۵۹، ۶۰-۲۹۴.
- فرضی زاده، زهرا. (۱۳۹۳). طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد. *مجله توسعه روستایی*، ۶(۱): ۱۲۳-۱۴۶.
- قادرزاده، امید؛ غلامی، فاطمه و غلامی، الهه. (۱۳۹۶). بازسازی معنایی تجربه زیسته دختران از تجرد. *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، ۱۵(۳): ۴۰۳-۴۲۶.



- قانع عزآبادی، فرزانه؛ کیانپور، مسعود و قاسمی، وحید. (۱۳۹۴). نگرش اجتماعی نسبت به مجرد دختران ۳۰ سال و بالاتر (مورد مطالعه: شهر یزد). *فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۴(۷): ۹۹-۱۲۷.
- قانع عزآبادی، فرزانه؛ کیانپور، مسعود و قاسمی، وحید. (۱۳۹۲). تجارب زیسته دختران ۳۰ سال به بالا در زمینه داغ ننگ ناشی از مجرد (مورد مطالعه: شهرهای اصفهان و یزد). *فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۴(۲): ۳۰۵-۳۳۱.
- کاظمی پور، شهلا. (۱۳۸۳). تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن. *فصلنامه پژوهش زنان*، ۲(۳): ۱۰۳-۱۲۴.
- کجباف، محمدباقر؛ لطیفی، زهره، پوراعتماد، حمیدرضا و توکلی، ماهگل. (۱۳۸۷). تحلیل کیفی مجردهای ناخواسته در دختران و پسران. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۴(۱۴): ۱۲۳-۱۳۲.
- کنعانی، محمد امین. (۱۳۸۵). پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱(۱): ۱۰۴-۱۲۶.
- کوششی، مجید و قربانی، زهرا. (۱۳۹۱). مطالعه جمعیت‌شناختی تاثیر جوان همسری بر ازدواج دختران. *مطالعات اجتماعی و روانشناختی زنان*، ۱۰(۲): ۱۰۹-۱۳۴.
- گافمن، اروینگ. (۱۳۸۶). *داغ ننگ: چاره‌اندیشی برای هویت ضایع شده*. ترجمه مسعود کیانپور، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۲). چشم انداز خانواده. ترجمه حمید جلائی پور، *آفتاب*، ۲۹: ۵۴-۵۷.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). *تجدد و تشخیص*. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مجبی، سیده فاطمه و مونس سیاح و شیما سادات حسینی. (۱۳۹۵). دلالت‌های معنایی تاخیر در ازدواج دختران دانشجوی. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۱۹(۲): ۲۵۲-۲۷۴.
- معمار، ثریا و یزدخواستی، بهجت. (۱۳۹۴). تجارب زیسته دختران شاغل ۳۰ تا ۴۹ سال از مجرد. *مسائل اجتماعی ایران*، ۶(۲): ۱۴۹-۱۷۲.

- موسائی، میثم و فندرسی، لیلا سادات. (۱۳۹۵). تاثیر سرمایه اقتصادی بر وضعیت تاهل (مطالعه موردی: شهر بهشهر). زن در فرهنگ و هنر، ۸(۲): ۲۴۹-۲۶۴.
- ناستی زائی، ناصر. (۱۳۸۵). مانع ازدواج دختران. مجله علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۳(۴): ۹۱-۱۰۸.
- نولان، پاتریک و لنسکی، گرهارد. (۱۳۸۰). جامعه های انسانی، مقدمه ای بر جامعه شناسی کلان. ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

- Abbasi Shawazi, M. J. and Sadeghi, R. (2005). Ethnicity and patterns of marriage in Iran. *Women's Research*, 3(1): 25-47. (Text in Persian).
- Abbaszadeh, M. and Nikdel, N. (2017) A study of the grounds for delaying girls' marriage with a descriptive phenomenological approach. *Journal of Women in Culture and Arts*, 8(4):493-516 (Text in Persian).
- Abercrombie, N. (2009). *Dictionary of Sociology*. Translator: Hadi Jalili, Tehran: Ney Publisher (Text in Persian).
- Aghaey, S. and Taheri bonchenari, R. (2013). The attitude of the youth to the impact of the socio-cultural economic factors affecting the rising age of marriage(Case study: District 2 and 3 of zone 4 of Tehran in 2013) *Sociological Review of Iran*. 3 (8):75-94 (Text in Persian).
- Alirezanejad, S., Savadian, P. and Jafari Naminini, P. (2013). Professional or Gender Identity: A Study on Employed Students Over 35 Years Old in Tehran, *Journal of Social Sciences*, 60: 259-294. (Text in Persian).
- Azkiya, M. (2006), A meta-analysis of job satisfaction surveys in educational organizations (Study and compilation of the results of master's and phd theses at Tehran State Universities). *Social Science Letter*, 1:26-27 (Text in Persian).
- Beck, C. (2002). Mothering Multiples: a Meta-synthesis of the qualitative research. *MCN. The American journal of maternal/child nursing*, 28(2): 93-99.
- Bench, S. and Day, T. (2010). The User Experience of Critical Care Discharges: A Meta – Synthesis of Qualitative Research. *International Journal of Nursing Studies*, 47(4):487 - 499.
- Byrne, A. (2003). Developing A Sociological Model for Researching Women`s Self and Social Identitie., *The European Journal of Women`s Studies*, 10(4): 443-464.
- Chaboki, O. (2016). The narrative of 45-year-old girls in Tehran from the causes of definitive siglessnes, *Iranian social studies*, 10(2,3): 102-123(Text in Persian).



- Decoster, J. (2003). meta-analysis notes. retrieved from: (<http://stat-help.com>).
- Ezazi, S. (1998). *Family Sociology, with an emphasis on the role, structure and functioning of the family in contemporary times*. Tehran: Enlighteners and women's studies Publisher (Text in Persian).
- Farzizadeh, Z. (2014). Social exclusion of single rural girls. *Rural Development Magazine*, 6(1):123-143(Text in Persian).
- Ghaderzadeh, O., Gholami, F. and Gholami, E. (2017). Semantic reconstruction of girls' lived experience of singleness. *Women in Development & Politics*,15(3):403-426 (Text in Persian).
- Ghane ezabady, F., Kianpour, M. and Ghasemi, V. (2013). Lived Experiences of Girls of 30 and Upper Years Old regarding Stigma due to singleness (Case Study: Isfahan and Yazd) . *Iranian Journal of Social Problems*,4(2):305-331 (Text in Persian).
- Ghane ezabady, F., Kianpour, M. and Ghasemi, V. (2013). Social Attitudes toward singleness among Girls 30 and older (Case Study: Yazd City), *Quarterly Journal of Contemporary Sociology Research*, 4(7): 99-127 (Text in Persian).
- Giddens, A. (2003). Family Perspective, translated by Hamid Jalayipour. *Aftab*, 29:54-57 (Text in Persian).
- Giddens, A. (2008). *Modernity and self identity, Translation by naser moafaghian*. Tehran: Ney publisher. (Text in Persian)
- Glass, G. V. (1976). Primary, secondary and meta- analysis of research. *Educational researcher*, 5: 3-8.
- Goffman, E. (2017). *Stigma: notes on the management of spoiled identity, Translation by Massoud Kianpour*. Tehran: Center publisher (Text in Persian).
- Habibpoor, K and Ghafari Gh. (2011). Causes of increasing girls' marriage age, *Woman in development and politics*, 9(1):7-34. (Text in Persian)
- Hasani, M. (2013). The study of the effects and consequences of rapid population growth on the lack of marriage and singleness of girls, *marefat* 22(189):117-129. (Text in Persian)
- Hosseini, S H. and Izadi, Z. (2015). Phenomenology of the Living Experience of Single Women (Single women over 35 years old in Tehran), *Social psychological studies of women*, 14(1): 41-72 (Text in Persian).
- Jayakody, R., Thornton, A. and Axinn, W. (2007). *International Family Change: Ideational Perspectives*. New York: Taylor & Francis Group, LLC.
- Jenkins R. (2002). *social Identity*. Translator: Toraj Yar Ahmadi, Tehran: Shiraze Publisher (Text in Persian).
- Kajbaf, M. B., et al. (2008). Qualitative Analysis of Unwanted singleness in Girls and Sons . *Family research Quarterly*,14:123-132 (Text in Persian).

- Kanaani, M .A. (2006). Relationship between tradition and modernization in increasing the age of marriage: A sample of Iranian people in Turkmen. *journal of population association of iran*,1:104-126. (Text in Persian).
- Kazemipour, S. (2004). The evolution of the marriage age of women in Iran and its effective Demographic factors, *Journal of Women's Research*,3: 103-124 (Text in Persian).
- Kosheshi, M. and Ghorbani, Z.(2012). A Demographic Study on the Impact of Young wife on Girls' Marriage. *Women's Studies Sociological and Psychological*,10(2): 109-134 (Text in Persian).
- Lahad, K. (2013) Am I asking for too much?" The selective single woman 32. *MCN", The American Journal of Maternal /Child Nursing*,28(2): 93-99.
- Loughran, D. S. and Zissimopoulos, J. M. (2004). Are There Gains to Delaying Marriage? The Effect of Age at First Marriage on Career Development and Wages, *RAND Labor and Population working paper series*, November 8.
- Memar, S. and Yazdkhasti, B. (2016). Life experiences of working women aged 30-49 from singleness, *Journal of Social Problems of Iran*, 6(2):149-172 (Text in Persian).
- Mohebi, S. F. and Sayah, M. and Hoseini, Sh. (1016). Semantic implications of student marriage delay, *culture in the Islamic university* 19, 6(2): 252-274(Text in Persian).
- Musay, M. (2016). The Impact of Economic Capital on Marital Status (Case Study: Behshahr City), *Women in Culture and Arts*, 8(2): 264-249 (Text in Persian).
- Nastizay, N. (2006). Barriers to Girls' Marriage, *journal of educational psychology studies* , University of Sistan and Baluchestan , 4: 91-108. (Text in Persian)
- Nolan, P. and Lansky, G. (2001). *Human Societies: An Introduction Macrosociology*, Translated by: Nasser Mofaghian, Tehran: Ney Publisher. (Text in Persian)
- Ramezani, S .G. and Qaltash, A. (2018) The Experience of PhD Students of Kurdistan University in Surviving Marriage. *Iranian Journal of Higher Education*,8(4): 103-108 (Text in Persian).
- Sadeghi, R and Shakofte, M. (2016). Study of the consequences of unemployment on the delayed marriage in Tehran, *social development & welfare planning*, 8(30): 141-175 (Text in Persian).
- Safiri, Kh. and Shahanavaz, S. (2016). Exploration of singleness and Identity Using grounded Theory (Case study: single girls over 35 years old in Lahidjan city). *Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies*,4(3):9-37 (Text in Persian).
- Sarayi, H. and Ojaghloo, S. (2013). Study of the Generation of Change in Marriage Value in Iran Case Study: Women in Zanjan, *Social Development Studies*,5(4):19-41(Text in Persian).



- Seidman, S. (2014). *contested knowledge*. Translation by Hadi Jalili, Tehran: Ney Publisher (Text in Persian).
- Shaaban, S. (2011). A Conceptual framework review of social exclusion, and its relation with social cohesion and poverty in Europe. *The international journal of diversity in organisations, communities and nation*, 11 (1):117-131.
- Sohrabi, B., Azami, A. and Yazdani, H. (2012). The Pathology of the Research of Islamic Management based on Meta Analysis. *Journal of Public Administration Perspective*, 6: 9-24 (text in Persian).
- Suleman, Q., Aslam, H., Habib, M., Yasmeen, K., Jalalian, M., Akhtar, Z. and Akhtar, B. (2015). Exploring Factors Affecting Girls' Education at Secondary Level: A Case of Karak District, Pakistan. *Journal of Education and Practice*, 6(13): 35-113.
- Weeks, J. R. (2002). *Population: An Introduction to Concepts and Issues*, Eighth Edition, Wadworth.
- Zimmer, L. (2006). Qualitative Meta – Synthesis: A Question of Dialoguing With Texts. *Journal of Advanced Nursing*, 53(3):311-318.

